

## سقط جنین در حقوق ایران

فرخزاد جهانی (دادیار دادسرای عمومی و انقلاب تهران)

تردید نیست که سقط جنین یکی از رهاوردهای نامیمون دنیای مدرن است. اگرچه این عمل در تمام اعصار و قرون کم و بیش انجام می‌گرفته، اما در دوران بروز و ظهور و پیشرفت تمدن جدید، این پدیده نیز روند افزایش نگران‌کننده‌ای دارد. از نقطه نظر تاریخی، در اقوام اولیه که پدر حق کشتن فرزند خود را داشته بدیهی است که حق سقط جنین نیز برای وی محفوظ بوده است. سقراط، سقط را با میل مادر جایز می‌دانسته و ارسطو در صورتی جایز می‌دانسته که مادر، اولاد زیاد داشته باشد؛ ولی بقراط در سوگندنامه‌اش سقط جنین را ممنوع کرده است. یونانیان و رومیان قدیم برای سقط جنین مجازات سخت در نظر گرفتند و حتی مجازات اعدام نیز نقل شده است.<sup>(۱)</sup> در دوران قبل از اسلام در میان اعراب که دختران را زنده به گور می‌کردند، طبیعی است که جنین و حفظ آن حرمت چندانی نداشت.

به طور کلی، سقط جنین به چند صورت ممکن است اتفاق بیافتد: سقط طبی، سقط خودبه‌خود، سقط جنایی و عمدی. در سقط طبی قصد جنایت و جرم وجود ندارد، بلکه در مواردی به منظور حفظ حیات مادر با تجویز پزشک جنین ساقط می‌شود. قوانین بسیاری از کشورها این موضوع را پیش‌بینی کرده و جایز دانسته‌اند. در قوانین فعلی کشور ما که خاستگاه آن مبانی شرع مقدم اسلام است، اندکی تفاوت وجود دارد. بدین توضیح که مراحل تکوین حیات جنین به دو مرحله قبل از حلول روح و بعد از حلول روح تقسیم شده است. سقط جنین قبل از دمیدن روح به منظور حفظ حیات مادر جایز است. دبیر شورای نگهبان نیز در زمان حیات امام راحل (ره) در این خصوص از ایشان استفتاء کرده و در خصوص جواز سقط جنین قبل از دمیده شدن روح در صورتی که با ننگه داشتن جنین علم به تلف شدن یا حتی خوف از تلف شدن مادر باشد، سؤال کرده‌اند که ایشان در پاسخ، این امر را جایز و بلکه لازم دانسته‌اند.<sup>(۲)</sup>

در قوانین کیفری، اجرای قانون اهم است چون سقط جنین به منظور حفظ حیات مادر (البته قبل از حلول روح) مصداق قانون اهم می‌باشد، از عوامل رفع مسئولیت است.

منظور از سقط خودبه‌خود، ساقط شدن جنین در اثر برخی از بیماری‌ها همانند بیماری‌های عفونی از قبیل سفلیس، آلبومینوری و بعضی ضایعات رحمی یا تغییرات رحمی است. مقصود از سقط جنایی، با علم و آگاهی و سوءنیت و عمد است. یعنی خارج کردن جنین قبل از موعد طبیعی زایمان به‌نحوی که زنده نماند یا قابلیت زنده‌ماندن را نداشته باشد. سقط جنین به طرق مختلفی صورت می‌گیرد؛ گاه با استفاده از دارو و مواد شیمیایی، گاه با استفاده از دانش پزشکی و مامایی و یا طرق دیگر. البته همواره این‌گونه نیست که مادر اقدام به سقط جنین کند؛ بلکه گاه فرد دیگری با وارد کردن ضربه و مانند آن، عامل سقط جنین می‌شود بدون آن‌که اراده مادر مداخلتی در آن داشته باشد.

در قانون مجازات عمومی سابق که قبل از انقلاب اسلامی حاکم بود، در ماده (۱۸۰) سقط جنین جرم تلقی می‌شد و مجازات آن حبس جنایی از سه تا ده سال بود. این مجازات به‌طور مطلق بود و اشاره‌ای به مراحل حیات جنین نشده بود. با پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت قوانین اسلامی و فقه شیعه، مراحل حیات جنین مورد توجه قرار گرفت. همان‌طور که گذشت، جنین در تکامل خود دو مرحله را پشت سر می‌گذارد: مرحله قبل از حلول روح و مرحله بعد از حلول روح. منظور از حلول روح همان ظاهر شدن علایم حیات و حرکات است که از نظر پزشکی و احادیث اهل بیت (ع) تقریباً با گذشت حدود چهارماه تا چهارونیم ماه از زمان حاملگی به‌وجود می‌آید. چون مطابق قوانین شرعی کشتن هر انسان زنده قتل محسوب می‌شود و در حرمت قتل نیز تردیدی نیست؛ و از سوی دیگر، قرآن کریم نیز می‌فرماید: **«لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ»** سقط جنین دارای روح، حرام، گناه و جرم است. در کتب فقهی، به‌استناد به روایات، در تعریف قتل «ازهاق النفس» یعنی خارج کردن روح به کار رفته است، که اطلاق این واژه شامل سقط جنین دارای روح نیز می‌شود. بنابراین، با توجه به قوانین جزایی فعلی، در سقط جنین باید تعیین کرد که آیا جنین دارای روح است یا خیر؟ و آیا سقط توسط خود مادر صورت گرفته یا توسط فرد دیگری؟ و آیا با راهنمایی و کمک پزشک و ماما و غیره صورت گرفته یا خیر؟ و...

ماده (۶۲۲) قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «هر کس عالماً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.»<sup>(۳)</sup>

این ماده در خصوص سقط جنین توسط فردی غیر از مادر است؛ یعنی شخص دیگری با علم و آگاهی از حامله بودن زنی عمداً در اثر ضربه یا اذیت و آزار که شامل آزار روحی و جسمی است موجب سقط جنین شود. لفظ دیه و قصاص در ماده فوق، ناظر به مراحل حیات جنین است. همان‌طور که در شرع انور اسلام محرز و محقق است، مجازات اولیه قتل قصاص است و چنانچه پیش‌تر گذشت، کشتن و ساقط کردن عمدی جنین دارای روح مشمول عنوان قتل است، و با وجود شرایط دیگر مستوجب قصاص است. بنابراین، در ماده فوق علاوه بر مجازات حبس، قصاص نیز به رسمیت شناخته شده است. دیه در ماده فوق نیز ناظر بر سقط جنین قبل از حلول روح است. دیه جنین در ماده (۴۸۷) قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است و در مراحل مختلف رشد جنین متغیر است: دیه نطفه که در رحم مستقر شده، بیست دینار؛ دیه علقه که خون بسته است، چهل دینار؛ دیه مضغه که به صورت گوشت درآمده، شصت دینار؛ دیه جنین در مرحله‌ای که استخوان درآمده و هنوز گوشت نرویده، هشتاد دینار و دیه جنین در مرحله‌ای که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده یک‌صد دینار می‌باشد. در مراحل فوق فرقی بین دختر و پسر نیست: پس از حلول روح در جنین، دیه آن همانند دیه انسان بالغ و کامل است. بنابراین، سقط جنین توسط فردی غیر از مادر در اثر ضربه و اذیت و آزار علاوه بر مجازات ماده (۶۲۲) در صورتی که جنین دارای روح باشد موجب قصاص و در صورتی که دارای روح نباشد مستلزم پرداخت دیه به شرح ماده (۴۸۷) می‌باشد.

ماده (۶۲۴) قانون مجازات اسلامی، مسئولیت افراد دیگر را بیان می‌کند: «اگر طبیب یا ماما یا داروفروش و یا اشخاصی که به‌عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین را فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال و به پرداخت دیه مطابق مقررات محکوم خواهند شد.» این ماده در خصوص افراد فوق، دو شق اقدام را پیش‌بینی کرده است: قسمت اول، فراهم کردن وسایل سقط جنین است و قسمت

دوم، مباشرت در سقط جنین است. در شق اول، طبیب یا ماما یا داروفروش فقط وسایل سقط جنین را فراهم کرده و مادر، خود. اقدام به سقط جنین می‌کند و در واقع آنان مسبب هستند؛ ولی در شق دوم، آنان خود مباشر در سقط جنین هستند؛ یعنی رأساً اقدام می‌کنند، که در هر دو صورت مشمول حکم ماده هستند.

از دیدگاه برخی صاحب‌نظران در کشتن جنین قصاص نیست و تنها باید دیه پرداخت شود از این دیدگاه لفظ قصاص در ماده (۶۲۲) ناظر به زمانی است که ایراد ضرب به مادر منجر به سقط جنین و قتل مادر می‌شود که در این صورت هم دیه جنین باید پرداخت شود هم ضارب به‌خاطر قتل مادر قصاص می‌گردد و هم محکوم به حبس تعزیری می‌شود.

ماده (۶۲۳) قانون مجازات اسلامی، موضوع دیگری را بیان می‌کند: «هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین گردد، به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد، به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد، مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد.»

کلیت و شمول «هر کس» شامل تمام افراد می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد این ماده ناظر به افرادی غیر از پزشک و ماما و غیره می‌باشد؛ چرا که مسئولیت این افراد در ماده (۶۲۴) پیش‌بینی شده است. آنچه از ماده (۶۲۳) استنباط می‌شود، باتوجه به سیاق ماده و مواد دیگر از جمله مواد (۶۲۲) و (۶۲۴) این است که ماده (۶۲۳) بیشتر ناظر به زمانی است که سقط توسط خود مادر با به‌کارگیری ادویه و دارو و غیره انجام می‌شود و افراد دیگر صرفاً دارو و وسایل را با علم و آگاهی در اختیارش می‌گذارند؛ یا اینکه وی را دلالت و راهنمایی به سقط جنین می‌کنند. در هر صورت، با توجه به اینکه ماده (۲) قانون مجازات اسلامی حاکی از آن است که هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه مطابق قانون، آن عمل جرم و دارای مجازات باشد. مجازات مادری که با علم و عمد، سقط جنین می‌کند، غیر از دیه (در مرحله قبل از حلول روح و قصاص در مرحله بعد از حلول روح) چیزی دیگر نیست. البته شاید بتوان گفت باتوجه به اینکه مادر با علم و

اطلاع در سقط جنین همکاری کرده و وقوع بزه را تسهیل می‌نماید به‌عنوان معاون بزه سقط‌جنین تحت‌پیگرد قرار می‌گیرد.

تردید نیست که در مواردی که به دلایل طبی سقط جنین لازم و ضروری می‌شود، در مرحله قبل از حلول روح به فتوای امام(ره) اشاره شد؛ اما چنانچه جنین در مرحله حیات و دارای روح باشد و حفظ آن موجب به خطر افتادن حیات مادر یا خود وی شود، چه باید کرد؟ قوانین فعلی در این زمینه ساکت است؛ اما در زمان حیات حضرت امام(ره)، دبیر وقت شورای نگهبان در این خصوص از ایشان استفتا کردند و امام در فرضی که امر دایر باشد بین جان یکی از دو نفر، یعنی مادر یا جنین، فرمودند: ترجیح وجود ندارد و نمی‌توان سقط جنین کرد و نمی‌توان به قرعه هم توسل جست؛ اما در صورتی که با حفظ جنین یقین به فوت مادر و احتمال حفظ حیات جنین باشد سقط جنین جایز است. اما اگر علم و یقین به سقط جنین نباشد، بلکه تنها ترس از فوت مادر باشد سقط جنین محل اشکال است و ترجیح این است که جایز نیست. امام(ره) در فروضی که سقط جنین را جایز یا واجب دانسته‌اند، این امر را مشروط به اجازه کسی ندانسته‌اند و می‌فرمایند: «برای حفظ نفس محترمه نیاز به اجازه کسی نیست.»

سازمان پزشکی قانونی کشور در دستورالعملی که به تأیید رئیس قوه قضائیه نیز رسیده است، موارد مجاز سقط جنین را اعلام کرده است. مواد مذکور شامل بیماری‌هایی است که ادامه بارداری در آنها خطر مرگ مادر را به همراه دارد یا ناهنجاری‌ها و بیماری‌های جنینی است که به مرگ جنین داخل رحم (مرده‌زایی) و یا مرگ نوزاد بلافاصله پس از تولد منجر می‌شود و قابل پیشگیری نیست. از جمله این موارد اختلال کروموزومی، آلفاتالاسمی، ابتلا به ویروس HIV که وارد مرحله بیماری ایدز شده باشد، موارد MS که باعث ناتوانی بیمار شود، نارسایی کلیه، هپاتیت غیرقابل کنترل و کبد چرب.

درخواست صدور مجوز سقط جنین تنها در ادارات کل پزشکی قانونی مرکز استان‌ها با دستور مقام قضایی با درخواست زوجین و با معرفی‌نامه پزشک معالج و قبل از حلول روح، یعنی چهارماهگی صورت می‌گیرد.<sup>(۴)</sup>

**پی‌نوشت‌ها:**

- ۱- پزشکی قانونی، دکتر سعید حکمت، چاپ اول، ص ۲۷.
- ۲- جرایم علیه اشخاص، دکتر محمد هادی صادقی، نشر میزان، ص ۱۳۴.
- ۳- سقط جنین به نحو مذکور در ماده (۶۲۲) شامل پدر هم می‌شود؛ اگرچه مطابق قانون، پدر به خاطر قتل عمدی فرزند خود قصاص نمی‌شود، اما در صورتی که پدر به یکی از طرق ذکر شده در ماده موجب سقط جنین همسر خود شود، باتوجه به اطلاق عبارت «هرکس»، مشمول مجازات حبس موضوع ماده می‌شود.
- ۴- روزنامه ایران، شماره ۲۶۷۵، دوشنبه ۱۳۸۲/۱۰/۲، ص ۴.